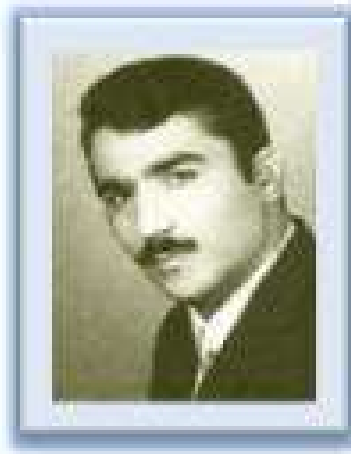




اعلامیه

بمناسبت سی و دومین سالروز شهادت عبدالمجید کلکانی

هژدهم جوزا مصادف است با روز شهادت قافله سالار جنبش ملی و انقلابی کشور ما عبدالمجید کلکانی؛ روزی که به نماد شهادت صد ها سامانی پاکبخته و جان باخته راه آزادی مبدل گشته است. هژدهم جوزا که در واقعیت امر بُعد کیفی قربانی پذیری مردم افغانستان را برای طرد تجاوز و اشغال کشور عزیز ما بنمایش میگذارد، حماسه ای است که اعدام رهبر سازمان آزادی بخش مردم افغانستان را به اسطوره جاودان تبدیل کرده است.

عناصر ملی و انقلابی کشور ما که زندگی و جان شان را آگاهانه بخاطر آزادی افغانستان در مبارزه علیه امپریالیسم روس و نوکران بومی شان (حزب دموکراتیک خلق)، و امپریالیسم امریکا و شرکاء که در آن روزگاران در سنگر ارتجاع (احزاب هفتگانه و هشتگانه) ساخت اسلام آباد و تهران قرار داشتند، بیباکانه و سرفرازانه هدیه کرده اند. این روز را پیشوای خردمند، نستوه و بی بدیل "ساما" و جبهه متحد ملی افغانستان شهید پروفیسور عبدالقیوم "رهبر" بنام روز "شهادت جنبش ملی و انقلابی مردم افغانستان" مسمی کرد که از آن زمان به بعد همه ساله در داخل و خارج از وطن این روز را اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان و هواداران آن با مراسم ویژه ای زیر همین نام برگزار مینمایند.

گرفتاری شهید مجید ضربه جبران ناپذیری به جنبش مقاومت ضد امپریالیسم اشغالگر روس و سازمان آزادیبخش مردم افغانستان و جبهه متحد ملی وارد کرد. کمبود شخصیت شهید مجید در تمام ابعاد آن برای "ساما" و جنبش انقلابی مردم ما، بعد از سه دهه هنوز هم شدیداً محسوس است. امپریالیسم روس و حزب "دموکراتیک خلق" با شناخت کامل از نقش کلیدی شهید مجید در جنگ مقاومت، به اساس فیصله روسها و حزب مزدور، به "جرم" تسلیم ناپذیری، وطن پرستی و آزادیخواهی بعد از صد روز زجر و شکنجه طاقت فرسا با عجله تمام حکم اعدام وی را صادر و در شب هژدهم جوزای ۱۳۵۹ به اجرا در آوردند. خبر شهادت شهید مجید به زودترین فرصت سراسر کشور را فرا گرفت و عکس العمل های شدیدی را در مقابل روس اشغالگر و دولت مزدور آن

برانگیخت. ریش سفیدان و اشخاص با نفوذ ولسوالی کلکان و مناطق کوهدامن با قبول خطر زندانی شدن بوسیله رژیم سفاک و مزدور روس پشت دروازه های ارگ و صدارت رفته ، خواهان تحویل گرفتن پیکر تیرباران شده شهید مجید شدند، اما چاکران روس از ترس عکس العمل گسترده تر مردم از تحویلدهی پیکر شهید مجید به مردم کوهدامن اباء ورزید.

شهید مجید با بهره گیری از شخصیت محبوب و چند بعدی اش و با تسلطی که به زبان دری و پشتو داشت (زبان پشتو را در قندهار در دوران تبعید آموخته بود) ، وبهره گیری از اندیشه های پیشرو عصر و بکار برد خلاقانه این تیوری ها در پراتیک ، طی دو دهه زندگی مخفی در دوران رژیم های منحنط خاندانی (شاهی و جمهوری) نفوذ قابل اعتمادی در بین اقشار مختلف مردم پیدا کرد. شهید مجید یکی از طراحان و پیشتازان مقاومت و مبارزه در برابر کودتای خونین هفتم ثور و اشغال افغانستان بوسیله شوروی بود.

بعد از شهادت مجید در اثر عکس العمل خود جوش مردمی در مقابل روس ها و دولت مزدور و عکس العمل سازماندهی شده و حساب شده توسط سازمان آزادیبخش مردم افغانستان و جبهه متحد ملی در شهرها و روستا ها ، تلفات و خسارات سنگینی به امپریالیسم روس و رژیم دست نشانده وارد گردید. این عکس العمل های گوناگون شامل لایه های مختلف جامعه از مردم عادی و آزاده گرفته تا دانشمندان، روحانیون غیروابسته و وطندوست ، روشنفکران آزادیخواه و متعهد، و همه آنانی که بیشکلی از اشکال با شخصیت چند بعدی شهید مجید در ارتباط بودند، میگردید .

شهید مجید و برادرش شهید عبدالقیوم رهبر با تمام مشکلاتی که در محیط تبعید (در قندهار در زمان سلطنت ظاهر) ، در ده سال عمر خویش با آن روبرو بودند ، در اثر سعی و کوشش خانواده و سرپرستی از ایشان ، مانند دو ستاره تابان و نجاتبخش بر فراز آسمان سیاسی کشور درخشیدند. دوره تحصیلی ابتدائیه و متوسطه را با نمرات عالی بپایان رسانیدند. بعد از پایان دوره تبعید و بازگشت بکابل مشکلات زیادی گریبانگیر شان شد. شهید مجید در دوران سلطنت به ظلم و ستم طبقات حاکمه تن نداده ، برای دگرگونی بنیادی جامعه دست به مبارزه بی امان زد و بخش طولانی عمرش را در اختفاء سپری نمود . شهید مجید در طول زندگی مبارزاتی خویش برای بدست آوردن چوکی و قدرت تلاش نکرد ، کودتا ها و شورش های بدون محاسبه را برای نجات مردم از اسارت، فقر و بد بختی مردود دانست . این انسان آزاده و مردمی همیشه میگفت که نجات مردم ، به انقلاب اجتماعی و کار تدارکاتی طولانی ضرورت دارد و این انقلاب کار چند تا روشنفکر نیست که با ادای کلمه انقلاب و مردم ، هم به انقلاب برسند و هم مردم از آن ها حمایت کند.

شهید مجید یکی از شخصیت های اسطوره ای این سرزمین بود که مردم و نیاز های مردمش را بهتر از هر روشنفکر این خطه می شناخت. در بین مردم زندگی کردن و با لایه های مختلفه مردم در رابطه و مکالمه دایمی بودن ، او را یاری کرد تا زبان ، سطح و خواست توده ها را بفهمد و از آنها بیاموزد.

در زمانی که پرچمی ها و خلقی ها ، بر شمشیر سردار داوود بوسه میزدند و از دیکتاتوری دفاع میکردند، شهید مجید "قانون اساسی داود" را بعنوان "طناب اسارت خلق" زیر رگبار انتقاد قرار داد و بحران اقتصادی- اجتماعی کشور را در نوشته ای دقیقاً نشانه گیری نموده فریاد سر داد :

"باید آمادگی گرفت، آمادگی سیاسی، آمادگی نظامی ... " تاریخ ثابت نمود که تحلیل شهید مجید از حرکت تضاد های جامعه علمی و دقیق بوده است. به همین گونه در رابطه کودتای ثور نوشت:

"کودتای ثور قدرت سیاسی را بعنوان مسئله ای قابل حل، قابل دسترسی پیش روی مردم قرار میدهد و رژیم با خصلت غلیظ وابستگی اش به هیچ صورت نمی تواند منافع مردم ما را بر آورده سازد. بر عکس رژیم مجبور است توقعات مردم را از خلال اغواگری و طرحهای عوامفریبانه بلند ببرد. اتکاء مطلق رژیم کودتا بر یک نیروی خارجی امپریالیستی زمینه ی گسترده ای برای مقاومت توده ای و خیزشهای مردم بوجود خواهد آورد، و این درست شرایط انقلابی ایست که نیرو های پیشتاز جامعه میتوانند با تکیه برآن در میان مردم بروند، آنها را بسیج و سازماندهی نمایند و آگاهی انقلابی را در میان آنها پخش کنند."

شهید مجید بعنوان یک سازمانده طراز اول، فرماندهی نظامی مقتدر، تئوریسن و مبلغ انقلاب افغانستان، محوری شد برای وحدت نیرو های انقلابی که تکامل آن به بنیانگذاری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان و جبهه ی متحد ملی انجامید. بگفته شهید رهبر:

" (ساما) نتیجه ی کوششها و افت و خیزهای هزاران تن از بهترین فرزندان این خاک است که هر کدام نقش خود را صادقانه در حرکت پیشرونده ی جنبش ادا کردند. کوشش دامنه دار مجید برای ایجاد فضای سالم میان نیرو های انقلابی جامعه و وحدت آنها دور ساما یکی از بزرگترین دست آورد های مبارزاتی وی است... ما در همه حال با نام قهرمان مجید روبرو میشویم، کار شاق عمل تدارکی منظم و دایم، واقعبینی سیاسی و تسخیر جسورانه موانع تلفیق و دوراندیشی سیاسی و تهور انقلابی همه آن صفاتیست که مجید با بکار برد آن توانست سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را ایجاد و آنرا مرحله به مرحله رهبری نماید."

شهید مجید میدانست که پیروزی نهائی وقتی حاصل می شود که همه نیروهای انقلابی، ملی و آزادیخواه در یک صف واحد و در زیر یک فرماندهی سیاسی- نظامی گرد آیند. **شهید مجید خود تجسم این وحدت ملی بود. مجید یک انسان فراقومی بود.** برای مبارزه به ابزار قومی تکیه نمی کرد. به نجات مردم افغانستان می اندیشید و بس. از همین خاطر است که شهید مجید یکی از قهرمانانی است که هر قوم و هر قشر اجتماعی او را به حیث یک انسان مبارز میشناسد، او را دوست دارند و کارنامه ها و خاطراتش را گرامی میدارند.

مجید بحق پایه گذار جنگ های چریکی و پارتیزانی مدرن در کشور ما بود. در فن جنگ، سازماندهی مردم و سازماندهی روشنفکر، نبوغ اعجاب انگیزی داشت. ارزش دوستی و رفاقت را می دانست و با یاران و دوستانش صمیمی، صادق، مهربان و از خود گذر بود. سازمان دادن مبارزات اعتصاباتی و تظاهرات و قیامهای سنجیده شده در صفوف ارتش و قرار دادن همه آنها در خدمت مبارزات مسلحانه ی مردم نشاندهنده ی آن توانائی بزرگیست که مجید بعنوان یک فرمانده نظامی در طی زندگی پر افتخارش به ما به میراث گذاشته است.

"ساما" تا کنون در همه ابعاد مبارزاتی خود مرهون زحمتکشی های مجید قهرمان است. **مشی** **مستقل ملی، اتکا به نیروی خود و اعتماد مطلق به توده های محروم**، آن اصول اساسی است که توسط وی در جنبش سامائی تدوین و به یقین سالهای درازی حیثیت قطب نمای حرکی جنبش انقلابی ما را خواهد داشت.

بسیج و رهبری توده های ملیونی مردم برای نجات شان از چنگال فقر، اسارت و ستم بدون رهبران آگاه، جسور، سازمانده و صادق امر محال است. به گفته شهید رهبر "با کشتی های بزرگ و ناخدایان چیره دست می توان از میان توفان ها گذشت." آری! تجربه نشان داده است که جنبش توده ها - به هر اندازه ای که عظیم و گسترده هم باشد - در غیاب یک رهبری سالم و کارا، به پیروزی نرسیده است. در جنگ ضد تجاوز روس، مردم ما به امید طلوع خورشید آزادی، رفاه اجتماعی و عدالت داوطلبانه به سنگر های نبرد شتافتند و جان های شانرا نثار کردند. با دریغ که به دلیل یک سری از نارسایی ها و از آنجمله ضعف رهبری ثمره این جانفشانی ها از دست آنها رفته شد. امروز نیز که کشور ما بوسیله امریکا و متحدینش اشغال کامل در آمده است، عنصر رهبری و حضور شخصیت های محوری و محبوب چون زنده یاد عبدالمجید کلکانی حایز اهمیت مهم و انکار ناپذیر می باشد.

ملت بزرگ و پر افتخار افغانستان که فرزندان چو شهید مجید و هزاران فرزند تسلیم ناپذیر را در دامن خود زاده و پرورش داده است، این ظرفیت را دارد که فرزندان برومند و فداکار دیگری نیز تربیت نماید. اگر جای مجید شهید امروز در میان جنبش پیشرونده، ملی و انقلابی ما خالی است، ایده ها، افکار و قبل از همه روح نوید بخش او مشعل راه کلیه آزادگان و رهروان راه او می باشد.

ما باور کامل داریم که انعقاد پیمان استراتژیک میان حکومت کرزی و تأیید برده وار "ولسی جرگه و مشرانو جرگه"، جز رو سیاهی تاریخی برای آنها چیزی در بر نخواهد داشت. از لحاظ تاریخی این موافقت نامه مشابه قرار داد های ننگینی است که زمامداران سبک مغز گذشته، با انگلیس ها در قرن نهم بسته بودند. اینک کرزی با "شیرنمایی" های مسخره اش بدون کمترین شرم و حیایی اشغالگران را نگهبان تاج و تخت خویش میداند و از آنها می طلبد تا در مقابل مداخلات همسایگان از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان به دفاع برخیزند. ننگ!

امضاء کنندگان بی عار و ننگ این قرار داد و مداحان معاش خوار امپریالیست ها هر قدری که از برکات و حسنات این معاهده برده ساز یاره سر دهند، باز هم عقل و تجربه عکس آنرا نشان خواهد داد. هر انسان صاحب وجدان و بصیرت می داند که این معامله گری ها افغانستان را در گردابی از تضاد های جدید، عمیق و پیچیده تری فرو خواهد برد و ملت ما تاوان بزرگی را خواهند پرداخت.

ابر های سیاه ستم و تجاوز بر آسمان کشور ما، دیر نخواهد پایید. سر انجام آفتاب آزادی و حقیقت همه جا را روشن خواهد کرد.

هواداران "ساما" درکنا دا خواهان خروج فوری و بدون قید و شرط تمامی نیرو های اشغالگر تا آخرین سر باز از افغانستان می باشد!

درود بر روان پاک شهدای راه آزادی میهن!

به پیش بسوی وحدت ملی !

دست مداخله و تجاوز از حریم کشور ما کوتاه!

یامرگ یا آزادی!

هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان درکائادا

۱۸ جوزای سال ۱۳۹۱ مطابق ۷ جون ۲۰۱۲
